

غافلگیری بزرگ

افزایش افسار گسیخته نرخ ارز و ناپایداری آن در طول ماه‌های اخیر، بدون تردید ریشه در بسترهای ناسالم و غیرعلمی اقتصاد کشور دارد و زخمی که امروز بر رخسار اقتصاد کشور نمایان شده، ریشه در ناکارآمدی مدیریت دولتی سال‌های پس از انقلاب است.

مرور چالش‌های اقتصادی در دهه‌های اخیر و افزایش ناگهانی و لجام گسیخته نرخ ارز هر چند سال یکبار و تحلیل بازارهای مالی و بانکی و سیاست‌های ناپایدار و غیر کارشناسی دستگاه‌های مسئول در اقتصاد این مملکت به خوبی بیانگر این واقعیت است که متأسفانه حاکمیت هنوز نتوانسته آن‌طور که باید و شاید از دیدگاه‌های کارشناسی و علمی و یا حتی از روی تجربه و سعی و خطا برنامه مشخصی برای حوزه اقتصاد کشور طراحی نماید. تصمیمات ناگهانی و ناپایدار همچون تک‌نرخی شدن ارز با نرخ ۴۲۰۰ تومان در فروردین امسال و ابلاغیه‌ها و بخشنامه‌های متعدد در این راستا و در نهایت تغییر رئیس کل بانک مرکزی و ابلاغ بسته‌های جدید ارزی با ایجاد بازار ثانویه، نمونه بارزی از دست‌پاچی مسئولین مربوطه و دامن زدن به نا امنی بیشتر در بازار است.

شهریور سال گذشته که بانک‌ها با ابلاغ دستوری دولت اقدام به کاهش سود سپرده‌های بانکی نمودند، بسیاری از کارشناسان اقتصادی ضمن تأیید این روند از عدم برنامه‌ریزی دولت در جذب نقدینگی و جهت دهی آن به سوی تولید، ابراز نگرانی کردند و به دولت هشدار دادند که با تسهیل در فضای کسب و کار و ایجاد مزیت برای سرمایه‌گذاری‌های تولیدی شرایط جذب نقدینگی در تولید را فراهم نماید اما آن‌چه که در عمل شاهد بودیم؛ فشار بیشتر بر تولید و حرکت نقدینگی به سوی بازارهای غیرمولد بود که در نهایت با تشدید فشارهای سیاسی در عرصه بین‌الملل و افزایش درگیری‌های جناح‌های سیاسی در داخل کشور و افزایش نگرانی‌های مردم نسبت به آینده و بی‌اعتمادی به تصمیمات دولت در حوزه اقتصاد، حجم بالایی نقدینگی با ورود به بازار ارز و طلا، موج بزرگی از تورم را در ماه‌های ابتدایی سال رقم زد که بعدها با ورود به بازار مسکن و خودرو، بهت و تعجب همگان را برانگیخت.

افزایش بی‌سابقه نرخ ارز و مصوبات متعدد و گاه متناقض و مبهم ارزی موجب شد تا تولیدکنندگان نیز با بحران جدیدی در تأمین مواد اولیه مواجه شوند؛ به‌طوری که افزایش قیمت‌های مواد اولیه صنایع با رشد وحشتناکی به حدود سه برابر میزان قبلی رسیده است و تداوم این روند که صرفاً با پرداخت نقدی امکان‌پذیر است؛ عملاً ادامه حیات واحدهای تولیدی را با مشکل جدی مواجه ساخته است؛ غافلگیری بزرگی که هنوز ابعاد آن غیرقابل پیش‌بینی است و مشخص نیست با شروع دوره جدید تحریم‌ها، چه سمت و سویی به خود خواهد گرفت.

اگرچه تشدید نگرانی‌ها از آینده تولید و رکود و تورم غیرقابل تشخیص و غیرقابل کنترل، در ماه‌های آتی و هم‌چنین نگرانی‌های موجود در حوزه اشتغال، افزایش قاچاق و افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی، مهم‌ترین دغدغه‌های صنعتگران و تولیدکنندگان بخش خصوصی کشور محسوب می‌شود اما بخش خصوصی همچون گذشته می‌کوشد تا با تدبیر و برنامه‌ریزی از این پیچ تاریخی نیز عبور کند. متأسفانه واقعیت این است که بخش خصوصی همواره کمترین نقش را در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های دولتی داشته است و همواره بیشترین آسیب‌ها را از ناحیه همین سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها متحمل شده است لذا بسیار شایسته است که در شرایط فعلی که کشور با تهدیدات سیاسی و تحریم‌های بین‌المللی نیز مواجه است، دولت و مجلس هم نسبت به حمایت بیشتر و تقویت بیش از پیش بخش خصوصی همت گمارند و اگر نمی‌توانند گره‌ای از مشکلات ایشان بگشایند؛ حداقل شر بیشتر نرسانند تا تولید شرایط امن‌تر و مطمئن‌تری را تجربه کند.